

صحابه و روابطشان با خاندان پیامبر ﷺ

بسم الله الرحمن الرحيم

نقل کرده است، گزیده‌ای از آن خدمت خوانندگان آورده می‌شود.

«... قال علی قال رسول الله قم فبع الدرع، فقمت فبعته و اخذت الثمن و دخلت علی رسول الله فسكبت الدراهم فی حجره فلم یسألنی کم هی؟ و لا انا اخبرته ثم قبض قبضة و دعا بلالاً فاعطاه و قال: ابتع لفاطمة طیباً ثم قبض رسول الله من الدراهم بکلتا یدیه فاعطاها ابابکر و قال ابتع لفاطمة ما یصلحها من ثیاب و أثاث البیت»^(۱)

ملا محمد باقر مجلسی ترجمه این روایت را در جلاء العیون چنین بیان کرده است:

«شیخ طوسی به سند معتبر از حضرت صادق(علیه السلام) روایت کرده است... حضرت امیرالمؤمنین(علیه السلام) فرمود که رسول خدا(صلی الله علیه وسلم) مرا فرمود که یا علی برخیز و زره را بفروش. من برخوایم و قیمت آن را گرفتم به خدمت آن حضرت آوردم زرها را در دامن آن حضرت ریختم آن حضرت از من پرسید که چند است من نیز نگفتم پس یک کف از آن زر گرفت بلال را طلید، به او داد و گفت: از برای فاطمه بوی خوشی بگیر. پس دو کف از آن دراهم برگرفت و بابو بکر داد فرمود: که برو به بازار و از برای فاطمه بگیر آنچه او را در کار است از جامه و اساس* البیت عمار بن یاسر و جمعی از صحابه را از پی او فرستاد همگی به بازار در آمدند پس هر یک از ایشان چیزی را که اختیار می‌کردند

در شماره دوم ندای اسلام قسمت اول این بحث در راستای روابط حسنه یاران رسول اکرم(صلی الله علیه وسلم) و خویشاوندانش بویژه رابطه ابوبکر صدیق و عمر فاروق با علی المرتضی و فاطمة زهرا را با بیان دو روایت از «جلاء العیون» که از کتابهای معتبر اهل تشیع است، به پایان رساندیم، در آن روایات نقل شده بود که حضرت علی(رضی الله عنه) به پیشنهاد صدیق و فاروق(رضی الله عنهما) به خواستگاری حضرت زهرا اقدام نمود، رسول الله(صلی الله علیه وسلم) با خواسته وی توافق کرد.

اینک در قسمت دوم این بحث برای توضیح بیشتر و باز نمودن موضوع مورد نظر موارد و وقایع دیگری خدمت خوانندگان محترم عرضه خواهد شد. از جمله نقش ابوبکر صدیق و عثمان ذوالنورین در خریداری و آماده ساختن جهیزه حضرت فاطمه امید است باعث تشفی قلب حق طلبان گردد.

پس از آن که حضرت علی به پیشنهاد ابوبکر و عمر(رضی الله عنهما) برای خواستگاری فاطمه خدمت رسول خدا(صلی الله علیه وسلم) شرفیاب شد و از جانب وی جواب مثبت شنید. رسول اکرم(صلی الله علیه وسلم) به علی(رضی الله عنه) فرمود: «ای علی برخیز و زرهات را برای تهیه جهیزه فاطمه بفروش برسان،» حضرت علی زره را به بازار برد و به عثمان ذی النورین فروخت و قیمتش را به رسول خدا(صلی الله علیه وسلم) داد. پیامبر(صلی الله علیه وسلم) مبلغی از آن پول را به بلال داد تا برای فاطمه(رضی الله عنها) عطر و غیره بخرد. و مبلغی هم به ابوبکر صدیق داد تا برای فاطمه(رضی الله عنها) لباس و لوازم خانگی بخرد، شیخ ابو جعفر طوسی - از علمای شیعه - این واقعه را از علی کرم الله وجهه در کتاب «امالی»

۱- کتاب الامالی لشیخ ابی جعفر طوسی ج: ۱ ص: ۳۹ - و بحار الانوار

جزء چهل و سوم ص: ۹۳ دار احیاء التراث العربی، بیروت - لبنان

* - کلمه عبارات نقل شده از شیخ عیناً بدون دخل و تصرف آورده شده است.

بابو بکر می نمودند و به مصلحت او می خریدند... چون همه اسباب را خریدند بعضی را ابو بکر برداشت و هر یک از صحابه بعضی را برداشتند به خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و سلم) آوردند حضرت هر یک از آنها را بدست می گرفت و ملاحظه می نمود و می فرمود خداوند ا مبارک گردان این را بر اهل بیت من.»^(۱)

قابل ذکر است، که محمد بن علی شهر آشوب هم همین روایت شیخ طوسی را در جلد چهارم مناقب ابن شهر آشوب در فصل تزویج فاطمه با علی بطور مختصر نقل کرده است.

برای توضیح بیشتر مسئله روایت دیگری از کتابهای اهل تشیع نقل می شود. در آن بطور صراحت ذکر شده که علی کرم الله وجهه زره اش را به چهار صد درهم به عثمان ابن عفان (رضی الله عنه) فروخت، حضرت عثمان پس از آن که بهای زره را پرداخت زره را هم به حضرت علی هدیه کرد علی (رضی الله عنه) دراهم و زره را خدمت رسول الله (صلی الله علیه و سلم) آورد و ماجرای فروختن زره و هدیه نمودن آن را از جانب عثمان (رضی الله عنه) برای نبی اکرم (صلی الله علیه و سلم) بیان کرد، رسول خدا (صلی الله علیه و سلم) در حق عثمان بن عفان دعای خیر نمود، علی بن عیسی اریلی از مناقب خوارزمی در کشف الغمه چنین روایت کرده: «قال علی: فاقبل رسول الله (صلی الله علیه و سلم) فقال: يا ابا الحسن انطلق الان فبع درعک و اتنی بثمانه حتی اهیء لک و لابنتی فاطمه ما یصلحکما. قال علی: فانطلقت و بعته باریع مائة درهم سود هجرية من عثمان بن عفان (رضی الله عنه) فلما قبضت الدراهم منه و قبض الدرع منی قال: يا ابا الحسن ألسنت اولی بالدرع منك و انت اولی بالدرهم منی؟ فقلت بلی، قال: فان الدرع هدية منی الیک. فاخذت الدرع و الدراهم و اقبلت الی رسول الله (صلی الله علیه و سلم) فطرح الدرع و الدراهم بین یدیه و اخبرته بما کان من امر عثمان فدعا له بخیر..»^(۲)

ترجمه: حضرت علی فرمود: آنگاه رسول الله (صلی الله علیه و سلم) فرمود: ای علی اکنون برو زره خود را بفروش و بهای آن را بیاور تا اسباب و نیازهای خانگی

شما را تهیه کنیم. علی کرم الله وجهه فرمود: من رفتم و آنرا به چهار صد درهم سود هجرية به عثمان ابن عفان فروختم، وقتی که دراهم را از او تحویل گرفتم و اوزره را از من قبض نمود گفتم: «ای علی آیا من به زره از تو اولی تر و تو به دراهم از من اولی و انسب تر نیستی؟ گفتم چرا نه!! عثمان فرمود: پس این زره را به تو هدیه می کنم علی کرم الله وجهه فرمود من زره و دراهم را برداشته خدمت رسول الله (صلی الله علیه و سلم) آوردم و او را از ماجرای عثمان و هدیه زره خبر دادم.» نبی اکرم (صلی الله علیه و سلم) در حق حضرت عثمان (رضی الله عنه) دعای خیر نمود. همین روایت در مناقب خوارزمی فصل بیستم در تزویج فاطمه با علی ص ۲۵۲-۲۵۳ و بحار الانوار از ملا محمد باقر مجلسی در جلد چهل و سوم باب تزوجها بعلي (رضی الله عنه) ص: ۱۳۰ نقل شده است.

در روایتی که علی ابن عیسی اریلی نقل کرده آمده است که حضرت علی فرمود: من پس از آن که به خدمت رسول الله (صلی الله علیه و سلم) برای خواستگاری فاطمه زهرا رفتم و رسول الله جواب مثبت داد و خواست در حضور صحابه عقد نکاح فاطمه را با من ببندد با شتاب از خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و سلم) خارج شدم و بر اثر سرور و شادمانی زیاد نمی دانستم چکار می کنم آنگاه ابو بکر و عمر (رضی الله عنهما) از روبروی من ظاهر شدند، فرمودند: «پشت سرت چیست؟!» گفتم: «رسول الله (صلی الله علیه و سلم) دخترش فاطمه را در عقد نکاح من در آورد»، و فرمود: «خداوند او را در آسمان به عقد نکاح تو در آورده، و هم اینک رسول الله (صلی الله علیه و سلم) از خانه خارج می شود تا در حضور مردم آنرا اعلام کند»، ابو بکر و عمر خیلی خوشحال شدند و با من به سوی مسجد برگشتند هنوز به وسط مسجد نرسیده بودیم که

۱- جلاء العیون فارسی بحث تزویج فاطمه، ص: ۱۱۸، از انتشارات

قائم، تهران

۲- کشف الغمة ج: ۱، فی ذکر تزویج فاطمه ص: ۴۷۲، از انتشارات

حاج محمد باقر چاپ اسلامیة سال ۱۳۸۱ هـ

خدا (صلی الله علیه وسلم) وحی نازل شد، پس از آنکه آثار وحی زائل شد و رسول الله (صلی الله علیه وسلم) بهبودی حاصل کرد، به حضرت انس فرمود: «ای انس آیا می دانی جبرئیل از طرف صاحب عرش - خدا - چه آورد؟» انس فرمود: «خدا و پیامبرش بهتر می دانند.» فرمود: «خدا به من امر کرده تا فاطمه را در عقد نکاح علی در آورم برو ابوبکر و عمر و عثمان و علی و طلحة و زبیر و به همان تعداد از انصار را به نزد من فراخوان،» پس از آنکه انس آنان را فراخواند، و هر یکی از آنان در جایی نشست رسول الله (صلی الله علیه وسلم) نکاح فاطمه را با علی بست.

علی بن عیسی اربیلی همین روایت را چنین نقل کرده: «... عن انس قال: كنت عند النبي (صلی الله علیه وسلم) فغشيه الوحي، فلما افاق قال لي: يا انس اتدري بما جاءني جبرئيل من عند صاحب العرش؟ قال: قلت لله ورسوله اعلم، قال: امرني ان ازوج فاطمة من علي فانطلق فادع لي ابابكر و عمر و عثمان و علياً و طلحة و الزبير و بعددهم من الانصار. قال: فانطلقت فدعوتهم له: فلما أخذوا مجالسهم قال رسول الله (صلی الله علیه وسلم) بعد الحمد و الثناء... اني اشهدكم اني قد زوجت فاطمة من علي علي اربع مائة مثقال فضة ان رضی علي بذلك.» (۲)

با ملاحظه در روایت فوق چنین بر می آید که رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) حضرت ابوبکر و عمر و عثمان و غیره را برای آن فرا خواند تا آنان را در عقد نکاح شاهد قرار بدهد و ایشان در عقد نکاح فاطمه و علی (رضی الله عنهما) حضور داشته باشند.

اینک روابط و همدردی و غمخواری و اعتماد آن بزرگان را نسبت به یکدیگر از کتابهای اهل سنت و شیعه و از زبان خود شان بیان خواهم کرد.

حضرت عایشه صدیقه دختر ابوبکر صدیق (رضی الله عنهما) در روایات متعددی حضرت فاطمه زهرا دخت

رسول الله (صلی الله علیه وسلم) به ما پیوست، چهره انورش از فرط سرور و شادمانی می درخشید.

الفاظ روایت یاد شده چنین است: «... قال علي: فخرجت من عند رسول الله (صلی الله علیه وسلم) مسرعاً و انا لا اعقل فرحاً و سروراً، فاستقبلي ابوبكر و عمر (رضی الله عنهما) فقالا: ما وراك؟ فقلت: زوجني رسول الله ابنته فاطمه و اخبرني ان الله عزوجل زوجنيها في السماء، و هذا رسول الله (صلی الله علیه وسلم) خارج في اثري ليظهر ذلك بحضرة الناس، ففرحا بذلك فرحاً شديداً و رجعا معي الى المسجد، فما توسطناه حتى لحق بنا رسول الله و ان وجهه ليتهلل سروراً و فرحاً، فقال: يا بلال... اجمع الى المهاجرين و الانصار...» (۱)

در این روایت صراحتاً لفظ «ففرحا بذلك فرحاً شديداً...» بکار رفته؛ یعنی حضرت علی کرم الله وجهه فرمود: ابوبکر و عمر از شنیدن آن خبر خیلی خوشحال شدند، خوانندگان محترم ملاحظه می فرمایند که به گفته خود حضرت علی (رضی الله عنه) حضرت ابوبکر صدیق و عمر فاروق از شنیدن این موضوع که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) حضرت فاطمه را به عقد نکاح حضرت علی در آورده بی نهایت خوشحال شدند، لذا معلوم می شود آنان دوست و غم خوار علی بودند، خوشحالی حضرت علی سبب خوشحالی ابوبکر و عمر و اندوه و غم علی مایه اندوه و غم ابوبکر و عمر می شد. هیچ نوع کدورت و رنجشی بین آنان نبود. وگرنه معنایی نداشت که بر اثر خوشی و سرور علی ابوبکر و عمر خوشحال شوند بلکه بر عکس ناراحت و غمگین می شدند، تا چه رسد که او را وادار به ازدواج با فاطمه نمایند.

این روایت را تنها علی بن عیسی اربیلی در کتابش نقل نکرده، بلکه افراد دیگری هم از علمای شیعه این روایت را ذکر کرده اند، علامه ملا محمد باقر مجلسی در بحار الانوار جزء چهل و سوم در باب تزویجها... در صفحه ۱۳۹ و خوارزمی در مناقب باز هم در باب تزویج رسول الله فاطمه به علی ص: ۲۵۲-۲۵۱ این روایت را نقل کرده اند.

در روایتی آمده که حضرت انس (رضی الله عنه) نزد رسول الله (صلی الله علیه وسلم) نشست بود که بر رسول

۱- كشف الغمة، ج: ۱ فی ذکر تزویجه فاطمه ص: ۴۸۴-۴۸۳.

انتشارات حاج محمد باقر چاپ اسلامیه

۲- كشف الغمة ج: ۱ ص: ۷۴۱-۴۷۲ - و بحار الانوار، ج: ۴۳ ص: ۱۱۹

را سمت راست یا چپش نشانند، سپس آهسته به او چیزی گفت، حضرت فاطمه به محض شنیدن سخن شدیداً گریه کرد، چون رسول الله (صلی الله علیه و سلم) پریشانی او را دید بار دیگر آهسته به او چیزی گفت، حضرت فاطمه از شنیدن آن خیر خندید. پس از آن که حضرت رسول الله (صلی الله علیه و سلم) برخاست، عایشه درباره آن راز از فاطمه جویا شد فاطمه گر چه در آنوقت راز رسول الله (صلی الله علیه و سلم) را فاش نکرد. اما بعد از رحلت آن حضرت (صلی الله علیه و سلم) آن راز را برای عایشه بازگو نمود.

عایشه در حق علی کرم الله وجهه دعای خیر نموده او را ستایش می کرد. امام احمد در مسند خود از عایشه روایتی نقل کرده در آن ذکر شده که عبدالله بن شداد بعد از شهادت حضرت علی کرم الله وجهه، از عراق به خدمت ام المؤمنین عایشه صدیقه رسید. ام المؤمنین فرمود: «اگر درباره قومی - خوارج - از تو بپرسم درست جواب می دهی؟» ابن شداد جواب داد «حتماً» عایشه از حال خوارج پرسید عبدالله بن شداد جواب داد، صدیقه گفت: «وقتی اهل عراق - خارجی - در مقابل علی قرار گرفتند علی چه گفت؟» عبدالله بن شداد جواب داد، علی صدق الله و رسوله می گفت.

عایشه برای تأکید بیشتر پرسید: «آیا از او سخن دیگری شنیدی؟» عبد الله گفت: «خیر!» عایشه فرمود: «بله صدق الله و رسوله»، خدا بر علی رحم کند و از او خشنود باد، او چیز شگفت انگیزی را که می دید، صدق الله و رسوله می گفت. الفاظ حضرت صدیقه (رضی الله عنها) چنین نقل شده اند: «... قالت: اجل صدق الله و رسوله! یرحم الله علیاً (رضی الله عنه) إنه کان من کلامه لا یری شیئاً یعجبه إلا قال:

گرامی نبی اکرم (صلی الله علیه و سلم) را مورد ستایش و تمجید قرار داده است. مختصراً به بعضی از آن روایات اشاره ای خواهیم داشت. حاکم در مسند خود از ام المؤمنین عایشه درباره فاطمة الزهرا چنین روایت کرده است:

«... ما رأیت احداً کان اشبه کلاماً و حدیثاً برسول الله (صلی الله علیه و سلم) من فاطمة و کانت اذا دخلت علیه قام الیها قبلها و رحب بها کما کانت تصنع هی به صلی الله علیه و سلم»^(۱)

عایشه صدیقه در این روایت فرموده: احدی را ندیدم که در گفتار و سخن از فاطمه به رسول الله (صلی الله علیه و سلم) شبیه تر باشد. وقتی فاطمه به نزد آن حضرت می آمد، نبی اکرم (صلی الله علیه و سلم) بر می خاست او را می بوسید و به او خوش آمد می گفت: همانگونه که فاطمه با رسول الله (صلی الله علیه و سلم) برخورد می کرد.

شیخ عباسی قمی - از علمای شیعه - در منتهی الآمال در بیان فضایل فاطمه از عایشه صدیقه چنین نقل کرده است «شیخ طوسی از عایشه روایت کرده است که من ندیدم احدی را که در گفتار و سخن شبیه تر باشد از فاطمه به رسول الله (صلی الله علیه و سلم) چون فاطمه به نزد آن حضرت می آمد او را مرحباً می گفت و دستهای او را می بوسید و در جای خود می نشانند. چون حضرت به خانه فاطمه می رفت، بر می خاست و استقبال آن حضرت می کرد و مرحباً می گفت، و دستهای آن حضرت را می بوسید...»^(۲)

حضرت صدیقه در روایت دیگری فرمود: «... ما رأیت احداً قط اصدق من فاطمة غیر ایهها...»^(۳)

یعنی من هرگز احدی را راستگوتر از فاطمه بغیر از پدرش نیافتم، این خود نشانگر ارادت خاصی است که عایشه نسبت به فاطمة زهرا داشت. در مقابل فاطمه هم نسبت به عایشه اعتماد و ارادت ویژه ای داشت، در صحیح مسلم از عایشه روایت شده که همسران پیامبر در نزد رسول الله نشسته بودند، فاطمه آمد وقتی رسول الله (صلی الله علیه و سلم) او را دید به او خوش آمد گفت و او

۱- المستدرک للحاکم ج: ۳ ص: ۱۵۴

۲- منتهی الآمال جلد اول باب فضائل فاطمه (رض) ص: ۱۳۲ چاپ

تهران

۳- حلیة الاولیاء ج: ۲، ص: ۴۲ تذکرة فاطمة (رض)

صدق الله ورسوله...»^(۱)

خود نقل کرده‌اند شیخ ابو علی طبرسی - از علمای شیعه در تفسیر مجمع البیان تحت آیه کریمه «والذی جاء بالصدق وصدق به» همین روایت را ذکر کرده است.

با بیان روایات و وقایع و اقوال آن وارستگان نسبت به یکدیگر خوانندگان محترم ملاحظه می‌فرمایند که بین شاگردان و جانثاران رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) چقدر الفت و صمیمیت و اعتماد کلی برقرار بود خداوند منان مسلمانان را به خط مشی صحابه و خاندان گرامیش توفیق عنایت فرماید تا بین مسلمانان همان الفت، رأفت، همدردی و غمخواری برقرار شده و بساط زشت حقد، کدورت و اختلاف از میان مسلمانان برچیده شود. و ما ذلک علی الله بعزیز

حضرت عبدالله بن عباس پسر عموی رسول (صلی الله علیه وسلم) و علی کرم الله وجهه در مرض الموت عایشه برای عیادت اجازه خواست، حضرت عایشه بار اول اجازه نداد، اما بر اثر اصرار ابن عباس به وی اجازه داد. صدیقه اظهار پریشانی و غم نموده فرمود: «می‌ترسم که بعد از مرگ چه خواهد شد»، ابن عباس فرمود: من از رسول الله شنیدم که فرمود: «عایشه در بهشت همسرم خواهد بود، و نبی اکرم (صلی الله علیه وسلم) به نزد پروردگارش والاتر و بالاتر از آن است که پاره‌ای از آتش جهنم را به تزویج او در آورد»، عایشه فرمود: «اضطراب و پریشانیم را رفع کردی خداوند پریشانی ترا رفع کند.»^(۲)

در طبقات ابن سعد از زبان علی المرتضی در فضایل صدیق و فاروق روایتی نقل شده که شخصی از علی درباره ابوبکر و عمر پرسید، علی فرمود: آنان پیشوایان هدایت و راهنمای امت و مصلحان قوم، و در اهداف خیر موفق و کامران بودند، و از این دنیا گرسنه خارج شدند، یعنی برای مطامع دنیوی مالی جمع نکردند الفاظ حدیث یاد شده چنین است:

«... سئل علی عن ابی بکر و عمر فقال: کانا امامی هدی راشدین مصلحین منجحین خرجا من الدنیا خمیین...»^(۳)

علامه سیوطی در تاریخ الخلفاء از بزار و ابن عساکر از اسید بن صفوان در تحت تفسیر آیه «... والذی جاء بالصدق وصدق به..» از حضرت علی (رضی الله عنه) چنین روایت کرده است، «... قال علی: والذی جاء بالحق محمد (صلی الله علیه وسلم) وصدق به ابوبکر الصدیق (رضی الله عنه)...»^(۴) (ابن عساکر می‌فرماید: در روایت از علی (رضی الله عنه) «بالحق» آمده و شاید این قرائت علی (رضی الله عنه) باشد.)

علی کرم الله وجهه فرمود: در آیه شریفه مراد از «والذی جاء بالصدق» حضرت الرسول (صلی الله علیه وسلم) و مراد از «صدق به» ابوبکر صدیق است که او را تصدیق و تأیید کرد.

این روایت را علمای اهل سنت و علمای شیعه در تفاسیر

۱- مسند امام احمد، ج ۱، تحت مسندات علی المرتضی ص: ۸۷-۸۶

۲- جامع مسانید الامام الاعظم ج: ۱ ص: ۲۱۵ و مسند الامام ابی حنیفه ص: ۱۷۹

۳- طبقات ابن سعد ج: ۳ ص: ۱۲۹، قسم اول تذکره ابی بکر

۴- تاریخ الخلفاء سیوطی ص: ۴۹، و مجمع البیان للطبرسی ص: ۳۶۱، در جمع آوری مقاله و رجوع به مراجع از رحماء بینهم استفاده شد.